

بنام خدا

دیوان

لغات التکرار

شیخ محمود بن حسین کاشغری

به ترتیب حروف الفبا

تدوین: کیوان امدادی (حسرت)

|                     |                                                                                   |
|---------------------|-----------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : کاشغری، محمود بن حسین، - ۴۶۶ق.                                                  |
| عنوان و نام پدیدآور | : دیوان الفات التبرک / محمود بن حسین کاشغری؛ تدوین [ مترجم ] کیوان امدادی (حسرت). |
| مشخصات نشر          | : ارومیه: نشر شان آی، ۱۳۹۴.                                                       |
| مشخصات ظاهری        | : ۵۷۴ ص.                                                                          |
| شابک                | : ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۲۸-۰۵-۲                                                               |
| وضعیت فهرست نویسی   | : فیبا                                                                            |
| یادداشت             | : فارسی - عربی.                                                                   |
| یادداشت             | : واژه نامه.                                                                      |
| موضوع               | : زبان ترکی - واژه نامه ها - فارسی                                                |
| موضوع               | : زبان ترکی - واژه نامه ها - عربی                                                 |
| شناسه افزوده        | : امدادی، کیوان، ۱۳۵۳ -، مترجم، گردآورنده                                         |
| رده بندی کنگره      | : ۱۳۹۴۱۳۹۳PL / ۲۰۱۳                                                               |
| رده بندی دیویی      | : ۶۳۵۳/۴۹۴                                                                        |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۱۶۲۰۷۸                                                                          |



انتشارات شان آی

نام کتاب : دیوان الفات التبرک

تدوین : کیوان امدادی

انتشارات : شان آی

چاپ : اول ۱۳۹۵

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۲۸-۰۵-۲

ناظر چاپ، تایپ و صفحه آرایی : رحمان حسین زاده (فضولی)

محل پخش :

ارومیه : خیابان امام پاساژ ارک - رویروی پاساژ ستارخان - طبقه بالا کتابفروشی فضولی

تلفن ۰۴۴۱-۲۲۴۳۷۶۹ همراه ۰۹۱۴۹۷۳۲۵۳۱

قیمت : ۵۰/۰۰۰/ تومان

هر گونه بهره برداری، بدون اجازه مولف و ناشر ممنوع می باشد

# فهرست

|     |       |                      |   |
|-----|-------|----------------------|---|
| ۹   | ..... | گیرش                 |   |
| ۱۰  | ..... | مقدمه                |   |
| ۱۵  | ..... | پیشگفتار             |   |
| ۲۱  | ..... | آ                    | A |
| ۵۷  | ..... | ب                    | B |
| ۹۹  | ..... | ج                    | C |
| ۱۰۱ | ..... | چ                    | Ç |
| ۱۲۷ | ..... | د                    | D |
| ۱۲۹ | ..... | ئه (یا ز سحه و کسره) | É |
| ۱۳۳ | ..... | إ                    | E |
| ۱۳۵ | ..... | آ                    | Ə |
| ۱۵۵ | ..... | گ                    | g |
| ۱۵۷ | ..... | غ                    | ğ |
| ۱۵۹ | ..... | هـ                   | H |
| ۱۶۱ | ..... | ای                   | I |
| ۱۶۷ | ..... | ای                   | i |
| ۱۷۹ | ..... | ک                    | K |
| ۲۱۹ | ..... | ل                    | L |
| ۲۲۱ | ..... | م                    | M |
| ۲۲۹ | ..... | ن                    | N |
| ۲۳۱ | ..... | أ                    | O |
| ۲۴۵ | ..... | ئو                   | Ö |
| ۲۶۱ | ..... | پ                    | P |
| ۲۶۵ | ..... | ق                    | Q |
| ۲۷۳ | ..... | ر                    | R |
| ۲۷۵ | ..... | س                    | S |
| ۲۸۹ | ..... | ش                    | Ş |
| ۲۹۱ | ..... | ت                    | T |
| ۴۶۹ | ..... | او                   | U |
| ۴۸۵ | ..... | او                   | Ü |



## گيريش

دونيانين دوغوسو زنگين مدنيتلرله بزنيپ - چوخلو

ملتلر دونيانين بو حيصه سينده ياشاياراق اؤزلرينه مخصوص ديللرى، عنعنه لرى واردير، بونلارين آراسيندا تورک ديل و مدنيتى پارلاق بير يثرده دورماقلا ياناشى تاريخين درينليکلىرینه ده کؤک ساليپ. تورک دىلى بوداق - بوداق آيريلاراق هر لهجه اؤزلوگونده سانكى بير باشقا ديله چئوريليپ، آنجاق بير کتاب وار کى هر کيمسه اؤيرنيرسه از - چوخ بوتون تورک لهجه لرينى باشا دوشر، بو کتاب دىل ن لسات التړک دن باشقا بير کتاب دئييل. بو کتاب سؤزلوکن علاوه بير اينسيکلوپئديا دير. اونداسى سىرا سؤزلر، کلمه لر، آتا سؤزلرى و باشقا بيلگيلرله سادالاناراق يازارين بيلگى سىنى هم ده و کتاب يازيلماسيندا گوردويو چتينيلىکلر و زحمتلىرى گؤسترير. آنجاق بو کتاب قديم اصول لا يعنى بير سؤزلوک و قاموسو اساسيندا يازيلديغى اوچون اينديكى زامانا گؤره کلمه لرين تاپيب اوخوماغى چتين گايير. بونا گؤره من ديوان الغات التړکو اليفا اساسيندا ترتيبله ييب يازميشام. اميد ائديرم اوخوجولار- کى حرمت او عزيزلره باش آيرم- بينسينلر.

يثرى وار سوزومون سونوندا يارديم ائدن ده ساغ ايز درين تشکورو مو بيلديريرم. خصوصيله خانم ث - اسمعيلى، کى کتابين تايپ و صفحه لرين ساھانلاماسيندا چوخ زحمت چکيلر و رحمان حسين زاده جنابلارى، فضولى کتاب ائوينين باشچى لى دن بوتون وارليغى ايله باشدان - سونا قدر يعنى چاپا گئدن هر ساحه ده صبر ايله بو ايشلرين ائيل آريغى سى ايدى، ساغ اولوسونار وار اولوسونار.

## مقدمه

زندگی و شخصیت محمود کاشغری عالم بزرگ ترک

محمود کاشغری یکی از دانشمندان بزرگ نیمه‌ی دوم قرن یازدهم میلادی و اواخر قرن چهارم هجری (حدود ۳۸۰ هجری قمری) است وی مولف کتاب وزین و ارزشمند «دیوان اللغات الترك» می‌باشد. در مورد تبار و زندگی او به غیر از اندک معلوماتی که خود وی در لابلائی کتابش داده، چیزی در دست نیست. مارتین هارتمن، که سالیان دراز در این باره پژوهش نموده، می‌نویسد: در آن عصر، مسلمین فقط به علوم دینی رزق علمی قائل بودند و به محققان علومى چون؛ لغت، تاریخ، جغرافى، علم انساب و غیره اهمیتی نمی‌دادند و این نشانه‌ی نوعی انحطاط بود. به گفته‌ی خود کاشغری؛ پدرش حسین در «بارسقان» از شهرهای «حاجا» «اسیق گؤل» متولد گردید و با توجه به منسوبیت مکانی «کاشغری» در نام وی، گفته می‌شود که او را بعدها به کاشغر کوچ کرده و محمود در آنجا بدنیا آمده است. درباره‌ی تاریخ تولد و وفات او نیز اطلاعات دقیقی در دست نیست اما اگر تاریخ تألیف دیوان (سال ۱۰۷۴ میلادی) در نظر گرفته شود، می‌توان حدس زد که وی در ربع آخر قرن یازده میلادی وفات کرده است. کاشغری در مبحث زبان ترک و لهجه‌های مختلف آن، به اصل و نسب خود اشاره کرده، می‌نویسد: «پدران ما که امیر بودند به اسم «نهر» معروف شده‌اند، چون تلفظ امیر برای اوغوزها مشکل است الف را تبدیل به «خ» کرده‌اند. پدر ما مالک ترک را از دست پسران سامان (سامانیان) گرفته است. او مشهور به (خمیر تکین) بود». از این گفته معلوم می‌شود، بیگ‌های قراخانی که مالک ترک نشین ماوراءالنهر را فتح کرده بودند، با اوغوزها در تعامل بوده‌اند...

بعضی از دانشمندان او را منسوب به اشراف ترک می‌دانند. اوملزان پرتساک نویسنده‌ی ماده‌ی قراخانیان در دائرةالمعارف اسلام، وی را از خاندان قراخانی می‌داند ولی نظر او را نمی‌توان کاملاً صحیح دانست. زیرا کاشغری چنانکه پیشتر ذکر گردید، به جای پدرم، لفظ پدرانمان را بکار برده و از ذکر عناوین و القاب آنان خودداری نموده است.

کاشغری مدت زمانی در معیت امیر قوموق بوده است که در کتاب خود به این موضوع اشاره کرده است او با سیاحت در مناطق زندگی اقوام؛ ترکمن، اوغوز، قرقیز، یغما، تخسی و چگل زندگی و فرهنگ آنها را از نزدیک مشاهده نموده و لهجه‌های آنان را آموخته است. وی علاوه بر کاشغر مناطق نارین، تالاس، چو و شاخه‌های رودخانه‌ی ایلی و ایسیق گؤل و فرغانه را نیز سیاحت نموده و آگاهی‌های بسیاری را جمع‌آوری و ثبت نموده است. کاشغری در میان قارلوق‌ها نیز بوده و لهجه‌ی آنها را نیز آموخته است. بعضی از محققین معتقدند، عده‌ای از اهالی کاشغر که احتمالاً محمود کاشغری نیز در میان آنها بوده در معیت «ترکن خاتون» - زن ملکشاه سلجوقی به بغداد می‌آیند. که در این صورت نیز درباره‌ی تاریخ ازدواج ملکشاه و زمان نوشته شدن دیوان که در سال ۱۰۷۲ (میلادی) بوده بین پریستاس و دیگر محققین، اختلاف نظر وجود دارد. قدر مسلم آن است که کاشغری، تربیت یافته‌ی کاشغر و بالاسون است که این دو شهر از شهرهای متمدن اسلام - ترک می‌باشند. کاشغری زبان عربی را از علمای بلاد ترک آموخته بود و کتاب خود را نیز به همین زبان تحریر کرد. کاشغری قصد داشت تا برابری زبان ترکی و عربی را ثابت نماید. او می‌نویسد: «اقوام، ولایات و زبان و خصوصیات ترکان را جزء بجزء بررسی کردم و آداب و سنن هر طایفه را بطور کامل شناختم». کاشغری در مورد زبان اقوام «قای» و «باشقور» - ولایاتی مانند بلغار، سوار، پچنق و یابقو، قرقیز و ترکان منطقه‌ی اورخون که دور از کاشغر و بالاساغو بوده‌اند، یا نمونه‌ای تقدیم ننموده و یا به مثال‌های اندکی اکتفا نموده است. به همین دلیل در مورد او یغما، یابی بودایی و اقوام ترک غیر مسلمان نیز چنین کرده است.

کاشغری در آغاز اثر خود می‌نویسد: «من طلوع دولت خورشید الهی را در برج ترک و مدار گردش آن را در آسمان ممالک ترک دیدم. خدا خاقان‌ها را از میان آنها برگزید و دوستدارانشان را از پایمال شدن در زیر پای دشمنان محافظت نمود.»

وی درباره‌ی نام «ترک» احادیثی از زبان امام شیخ حسین خلف‌اوغلی آورده است که مرجع آن، کتاب علائم آخر الزمان «شیخ ابوبکر المفیدی» می‌باشد. المفیدی در این کتاب از زبان پیغمبر آورده است: «خدای تبارک و تعالی فرموده است «مرا لشکری هست که به ایشان نام ترک داده و در شرق سکونت دادم، بر هر قوم که غضب کنم، ترک‌ها را بر ایشان، مسلط گردانم... و ترک‌ها را در زیبایی،

شیرینی، ادب و جوانمردی می‌ستاید. او با ذکر یک حدیث از محدثینی چون «بخارایی» و «نیشابوری» می‌نویسد: «زبان ترکی را بیاموزید، چون ترکان را حکومتی طولانی در پیش است». کاشغری می‌گوید: «گیریم که این حدیث صحیح نباشد، یادگیری زبان ترکی امری واجب می‌نماید و من برای آموختن آن به سایر ملل، مسؤولیتی معنوی در خود حس کردم. او با تسلط به زبان عربی، با افتخار به فرهنگ و زبان و تمدن خود، فضایل ترکان را برشمرده است. کاشغری ضمن بحث از هنرهای رزمی، مهارت نیزه‌پرانی، شمشیرزنی، ذکاوت، شجاعت و صراحت لهجه و تمامی فنون و اصطلاحات نظامی ترکان را در کتاب خود بیان نموده. پر واضح است که وی با فنون جنگاوری نیز آشنایی داشته است.

کاشغری در همین لغت‌نویسان فرهنگ و تمدن بشری است که قوم‌شناس نیز بوده و در مورد معلومات گردآوری شده حاسیت قابل وصفی از خود نشان داده و از درج کوچکترین مطلبی چشم‌پوشی نکرده کاشغری خود صیات قومی و فرهنگی اقوام ترک قرن یازده میلادی را با استادی و مهارت تمام در اختیار همگان قرار داده است. کاشغری در اواخر عمر از بغداد به زاد بوم خود برگشته و در شهر کاشغر ساکن شده است و در سال ۱۱۰۵ میلادی در سن ۹۷ سالگی در گذشته است.

#### کاشغر و مزار کاشغری

مزار محمود کاشغری در شهر اوبال در نزدیکی کاشغر قرار گرفته است. کاشغر مرکز ایالت ترکستان چین و یکی از غربی‌ترین شهرهای چین است. این شهر مراکز جاده ابریشم نام داشته و یکی از قدیمی‌ترین شهرهای اسلامی چین است. در منابع فارسی این شهر را «مرز مسلمین» نامیده‌اند و در «برهان قاطع» آمده است: «شهری است از ترکان، منسوب به خوبان سری یشابوری گوید: ترک نزاید چنو به کاشغر اندر، سرو نباشد چنو به کاشغر اندر».

کاشغر شهری سرسبز و آباد است و رود قیزیل سو که از دامنه‌های آلا داغ سرچشمه می‌گیرد از میان این شهر می‌گذرد. این شهر تاجیکستان‌های مشهوری دارد. کاشغر در محل تقاطع کوه‌های تانگری و قونلون واقع شده است. از مغرب به جاده‌ی فرغانه در ازبکستان، از جنوب به مسیر جامو و کشمیر و از شمال به راه اصلی منتهی به ارومچی متصل است و از این رو در طول تاریخ اهمیت تجاری و نظامی داشته است. در سده‌های دهم تا دوازدهم میلادی ترکان، بومیان اصلی محل، اویغوران، قراخانیان و قراختائی‌ان در آنجا حکومت داشتند. بعد از لشگرکشی مغول جزء خانات جغتای بوده و بعد ها به

تصرف دولت گورکانی در آمد. در اواسط قرن هجدهم پایتخت ترکستان شد. کاشغر از سال های ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۷ نیز در تصرف و تحت اداره‌ی خود مسلمانان بود. در همین سال اخیر، حکومت چین به دستیاری ارتش سرخ شوروی، شهر را با نواحی اطراف آن اشغال کرد و تا سال ۱۹۴۳ همه‌ی قیام‌های مردمی را سرکوب ساخته و به کوچ اجباری مسلمانان دست یازید.

اکنون کاشغر، مرکز ولایت خود مختار سین کیانگ است. سین کیانگ (چین نو) نامی است که دولت چین بر بخشی از ترکستان شرقی نهاده‌اند. مزار کاشغری نه در خود کاشغر که در شهر اوپال قرار دارد. قبلاً در مورد مزار کاشغری حدس و گمان هایی زده می شد اما به طور رسمی تعدادی از باستانشناسان در اواخر سال ۱۹۸۲ توانسته اند مزار وی را در ۴۵ کیلومتری شهر اوپال کشف کنند. وقفه این مکان نیز سپس پیدا و منتشر شد و از سال ۲۰۰۶ مزار کاشغری به موزه تبدیل شده است و همه ساله میزبان گردشگران بسیار است.

#### آثار کاشغری

کاشغری دو کتاب در مورد زبان ترکی تألیف کرده است. ۱- «الجواهر النحو فی لغات التّرك». باعث تأسف است که تا حال کسی بدین کتاب دسترسی پیدا نکرده است. ۲- «دیوان اللغات التّرك». وی کتاب مزبور را جهت آموختن زبان ترکی به اسباب به رشته‌ی تحریر در آورده است. «دیوان اللغات التّرك»، میراث بی‌عیب و نقص و یادگار فرهنگی، تاریخی و زبان ترک‌های آسیای میانه و اقوام ترک و در حکم یک دایره‌المعارف می‌باشد. کاشغری عربی را خیلی می‌دانست، وی بعد از آمدن به بغداد و دانش‌اندوزی و کسب معلومات زبان‌شناسی، مدارس نجاشی آن زمان را شناخت و تحت تأثیر کتاب «العین» خلیل احمد فراهیدی، بنیانگذار مدرسه‌ی نحو بصره قرار گرفت. کاشغری می‌نویسد: «در متن کتاب خود، برای اثبات مشاهدات و اطلاعاتم، اشعار و امثال و اصطلاحاتی را جای دادم». کاشغری کلمات بیگانه (دخیل) را در متن کتابش نیاورده اما اعلام جغرافیایی و تاریخی مربوط به کشورهای مسلمان ترک را همراه اطلس جغرافیای جهان آن روزگار ذکر کرده است. کاشغری اثر خود را بر اساس قوانین زبان عربی به هشت بخش: کتاب‌الهمزه، کتاب‌السالم، کتاب‌المضاعف، کتاب‌المثال، کتاب ذوات ثلاثه، کتاب ذوات الاربعه، کتاب‌الغنه، کتاب‌الجمع بین الساکنین تقسیم کرده است. کتاب وی به منزله‌ی قاموسی است که حاوی اطلاعات لازم ارزشمند از تاریخ و لغت ترکی

است. کاشغری در شرح کلمات جایگاه وسیعی به فولکلور، باورها، امثال، خرافه‌ها، داستان‌ها و حکمت و فلسفه، مراثی و... اختصاص داده است.

یگانه رونوشت نسخه‌ی دست‌نویس این کتاب، در کتابخانه‌ی علی امیری افندی موجود است. دیوان‌اللغات‌الترک تقریباً شامل ۷۵۰۰ کلمه، ۲۹۰ امثال و حکم، و ۲۲۰ بیت و قطعه می‌باشد. اصل کتاب دیوان لغات ترک یک جلد بوده است که از سوی معلم رفعت در مجموعه‌ی ۳ جلدی تنظیم و انتشار یافته است.

شرق‌شناس روس - ولاد میر واسیلی بارتولد در مورد این کتاب می‌گوید: «از اطلاعاتی که کاشغری در مورد شهرها می‌دهد، معلوم می‌گردد وی در نگارش اثر خود از کتاب‌های زیادی بهره‌جسته است که این کتب اکنون در دست نیستند و اگر این آثار یافت می‌شدند اهمیت زیادی برای ما داشت.»

تاریخ تحریر کتاب مشخّص نیست. رکی ولیدی توغان تاریخ تحریر آنرا را به سال ۴۷۰ هجری (۱۰۷۷/میلادی) می‌داند. اما معلم رفعت، فواد کوپرولی، سال‌های ۴۶۴، ۴۶۶ را تأیید می‌نمایند.

کاشغری دیوان را در زمان خلیفه القائم بامرالله بسته و همانگونه که معلم رفعت نیز اشاره نموده بعدها در سنه‌ی ۴۶۷ به پیشگاه المقتدی بامرالله تقدیم نموده است. یگانه نسخه‌ی دیوان که اکنون در دست است، توسط محمدبن ابی‌بکر بن ابی‌الفتح که در اصل ایرانی و هل ساوه و مقیم شام بوده، از روی نسخه‌ی خطی خود مؤلف استنساخ و رونویسی آن در سال (۶۲۴ هـ) به اتمام رسیده و اشتباهاتی را هم که در اعراب و حرکه‌ها وجود دارد، معلم رفعت و بسیم آتالای نصیح و زیرنویس‌ها مشخّص نموده‌اند.

نسخه‌ی خطی مزبور، در دست فردی شاعر و عالم، به نام محمدبن احمد خطیب دریانی که ساکن «داریه» یکی از قراء دمشق (تولد - ۱۳۴۵/میلادی وفات - ۱۴۰۸) بوده و احتمال می‌رود که این شخص کتاب را زمان اقامت در قاهره به دست آورده است. معلوم نیست کتاب در چه تاریخی و به چه شکلی به استانبول آورده شده است ولی آنچه محقّق است، این است که کتاب در سال ۱۹۳۳ با وساطت یک کتاب‌فروش و توسط علی امیری از یک پیرزن، از خویشاوندان نافذ ییگک، ناظر اداره‌ی مالیه‌ی وقت

خریداری و با یاری مرحوم طلعت پاشا، صدر اعظم وقت و با تلاش و زحمات مرحوم ضیاء گوک  
آلب و تحقیقات و پژوهش های معلم رفت کیلیسلی، در سال ۱۹۱۵ میلادی به چاپ رسیده است.

نکته جالب در مورد این کتاب این است که تا مدت ها اثری از این کتاب پیدا نشده بود تا اینکه مرحوم  
علی امیری آن را در راسته صرافها پیدا کرد. ماجرا به طور خلاصه از این قرار است که علی امیری  
مثل همیشه به دوستی به نام برهان بیگ در این راسته سر می زده است. یک روز برهان بیگ به او می  
گوید یک نسخه خطی گرانقیمت برای فروش نزد من آورده اند که مشتری ندارد. کتاب را به بنیاد  
دانش نشان دادیم و آنها قیمت آن را به یک سوم قیمت تعیین شده پیشنهاد کرده اند. علی امیری بعد  
از نگاه کردن به آن متوجه می شود که اثر گم شده بسیار با ارزشی را پیدا کرده است. ارزش کتاب  
سی لیر تعیین شده بود. این کتاب را پرداخت کرده و با عجله به منزل می رود تا اوراق آشفته دیوان را  
منظم کند و آن را مطالعه نماید. ها معلم رفعت این کتاب را از امیری به امانت می گیرد و آن را  
رونویسی و تصحیح می کند. به این ترتیب افتخار نخستین نشر متن این کتاب نصیب مرحوم احمد  
رفعت، معروف به معلم رفعت گردید که در اردیبهشت سال ۱۳۳۵ هجری قمری در استانبول به چاپ رسانید.  
سپس در سال ۱۹۲۸ مرحوم کارل بروکلمان این کتاب را به زبان آلمانی برگرداند.

اثر بروکلمان، حاوی تمام کلمات دیوان که مطابق حروف الفباست و تا زمان انتشار ترجمه ی ترکی  
دیوان در ترکیه، منبع مورد استفاده ی بسیاری از پژوهشگران بود. است. ترجمه ی ترکی دیوان، توسط  
معلم رفعت کیلیسلی، توفیق بیگ و عاطف توزون انجام گرفته و در هرگز منتشر نگردیده بود. اما  
ترجمه ی بسیم آتالای از سوی مؤسسه ی زبان ترکی چاپ و منتشر گردید.

نهایتاً در سال ۱۹۵۷ میلادی، کلمه ها و اصطلاحات کتاب با حذف حواشی به وسیله دهری دیلچین  
در مجموعه ای گردآوری و از طرف مؤسسه ی زبان ترکی، تحت عنوان جدول لغات  
دیوان اللغات التترک، به ترتیب حروف الفبای عربی به چاپ رسید.

کیوان امدادی

ارومیه تابستان ۱۳۹۴

## پیشگفتار مؤلف

هر گونه سپاس از آن خدای دارنده‌ی نیکی‌های بسیار و آفرینش نیکوست.

در دورانی که گشاده‌زبان‌ترین مردمان، کند سخن بودند و تندرست‌ترین آنان فرسوده و بیمار، خدا جبرائیل را همراه قرآن با تبیانی روشن و تفصیلی همه‌سویانه و برای باز نمودن حلال و حرام، بر محمد(ص) نازل فرمود، و بدینگونه راه راست را بنمود و اما را راهنمایی فرمود. درود و سلام خداوند بر او و بر یاران و خاندان او باد.

اما بعد، محمود پسر حسین پیر محمد چنین گوید که: تابش خورشید بخت و دولت در برج‌های ترکان از سوی خدا - و گردش دوائر آسمان‌ها بر مملکت و فرمانروایی آنان را دیدم. خداوند نام آنان را «ترک» نهاد و بر روی زمین فرمانروا ساخت. خاقانان روزگارمان را از میان آنان بدر آورد، زمام امور ملت‌های جهان را برکف آنان نهاد. ایشان را از هر کس برتر ساخت و بحق آنان را نیرومند گردانید و کسانی را که به آنان وابسته گشتند و در خدمت آنان به کوشش برخاستند، گرمی داشت و به خاطر ترکان، آنان را به نهایت مراد و آرزوهایشان رسانید و این اشخاص را از گزند و سرلگد فرومایگان ایمن و برکنار داشت. هر خردمند نیز اندر یافت که راه حق مانند این اشخاص از اصابت تیر آنان، گراییدن به روش ترکان است.

برای راز گفتن از درد و راه یافتن به دل ترکان به راهی جز سخن گفتن به زبان آنان موجود نیست. اگر کسی از گروه خویشان جدا شود و به ترکان پناه آورد، از همه و هراس آن گروه‌رهایی یابد، و همراه او، دیگران نیز توانند [بدانان] پناهنده شوند.

سوگند یاد می‌کنم که من، از یکی از امامان ثقه‌ی بخارا و از یکی از امامان اهل نیشابور شنیدم، و هر دو با سلسله‌سن روایت کنند که پیامبر ما چون نشانه‌های رستگاری و نشانه‌های آخرالزمان و نیز خروج ترکان اوغوز را بیان داشت، چنین فرمود: «زبان ترکی را بیاموزید، زیرا که آنان، فرمانروایی دراز آهنگ در پیش است»<sup>۱</sup>.

اگر این حدیث صحیح باشد- بر عهده‌ی آن راویان- پس آموختن زبان ترکی ساری بس واجب است و اگر هم درست نباشد، خرد اقتضا می‌کند که [مردم] فراگیرند.

من در حالی که روشن‌بین‌ترین، باریک‌اندیش‌ترین، نژاد و اصیل‌ترین، نیکوترین و نیزه‌گذارترین آنان بودم، سراسر سرزمین‌ها و دیارشان را گشتم. شیوه‌های گویشی تیره‌های ترک، ترکمن، اوغوز، چینگل، یغما، قیرغیز و قافیه‌هاشان (سروده‌هایشان) را فرا گرفتم و ضبط کردم و بهره‌ها بردم. بدانگونه که زبان هر تیره-ای از آنان با بهترین اسلوبی در پیش من گرد آمد، آن همه را به رستگاری صورت، نظم دادم و به آراسته-ترین ترتیب بیاراستم. و به فضل الهی، این کتاب را به عنوان یادگاری جاویدان و اندوخته‌ای ابدی تألیف

<sup>۱</sup>- تَقْلَمُوا لِسَانَ التُّرْكِ فَإِنَّ لَهُمْ ثَلَاثًا طَوَالًا.

کردم و «دیوان لغات الترک» (=قاموس زبان‌های ترکی) نام نهادم. به رسم پیشکش به پیشگاه سرور و امام بزرگوارمان ابوالقاسم عبدالله به ارمغان بردم که فرزند خلیفه‌ی خداوند، محمدالمقتدی بامرالله است و از نسل هاشمی و از فرزندان عباس است و خلیفه‌ی پروردگار جهانیان است. خداوند بقاء او را در عزت دائم، روزگاری آسوده و قرین نیکبختی، دراز دارد و پایه‌ی فرمانروایی او را در میدان سروری بر فرازنازی بزرگواری قائم و استوار کند. اولاد آدم، در فراوانی سخای او و به نیکویی و در مکرمت و بزرگواری، بابخشی جاوید همتای ستارگان و با تیرآهنگی به نشانه برنشته و با دوستانی بهره‌مند از ارجمندی و پیروزی و در رویارویی با دشمنانی افتاده به خواری و مقهوری، زندگانی سپری سازند. و مسلمانان از برتری، سایه، نیرو، فضل، جلال و شکوه او بی‌ بهره نمانند).

\*\*\*

من این کتاب را به سننایی، رشار از حکمت، سجع، امثال، شعر، رجز و نثر بیارستم و به ترتیب حروف، معجم ساختم. جهت آن که خواننده، تواند خواسته‌ی خود را در جای خود و جوینده جست‌اش را در جایی که باید بیابد، هر کلمه را در جای خود آوردم. ژرفایی آنها را معلوم ساختم و سختی‌ها را هموار کردم. سالیانی چند در برابر سختی‌ها سینه فراز دادم.

این کتاب لغت (=واژه‌نامه) را از آغاز تا فراز در هشت ناله (=کتاب) گرد آوردم. نخست: کتاب همزه. (برای فرخندگی و تبرک از کتاب خدا، من، کتاب خود را با همزه آغاز کردم). دوم: کتاب سالم.

سوم: کتاب مضاعف.

چهارم: کتاب مثال.

پنجم: کتاب سه گانگان (ذوات ثلاثه).

ششم: کتاب چهارگانگان (ذوات اربعه).

هفت: کتاب غنه.

هشتم: کتاب جمع دو ساکن.

هر کتاب را به دو بخش «اسماء» و «افعال» تقسیم کردم، اسماء را بر افعال مقدم داشت. به دنبال آن، افعال را آوردم. هر یک را به ترتیب اهمیت، بخش بندی کردم. آنچه را که پیشتر باید آید، در آغاز آوردم و آنچه را که در درجه‌ی دوم اهمیت بود، به فرجام کشیدم.

برای فهم راحت هر کس، عنوان‌ها و اصطلاحات را در هر کتاب و در هر بخش، از عربی اخذ کردم.

برای نشان دادن این که زبان ترکی و زبان عربی چون دو اسب شرط بندی همدوش مسابقه، برابری دارند، در دلم بود که همانند خلیل ابن احمد فراهیدی در کتاب «العین» تکواذهای رایج و کاربردی را با لغات غیرمستعمل و متروک، یکجا گرد آورم. اما راهی که برگزیده‌ام به صواب نزدیکتر است. زیرا از این طریق،

کلمات را به آسانی می‌توان یافت و مردمان بدان راغب‌ترند. از این رو به جهت رعایت اختصار ذکر لغات غیرمستعمل را فرو گذاشتم.

برای نشان دادن این که شیوه‌ی خلیل در زبان ترکی فراگیرتر است، وجود کاربرددار و غیرمستعمل و زیرین را بنوشتم.

|     |      |              |          |
|-----|------|--------------|----------|
| ارق | arıq | نهر          | کاربردار |
| أقر | aqur | آخور         | کاربردار |
| قار | qar  | برف          | کاربردار |
| قرا | qara | سیاه         | کاربردار |
| رقا | raqa | رقه          | متروک    |
| راق | raq  | (ادات تفصیل) | کاربردار |
| أزق | azuq | اندوخته      | کاربردار |
| أقر | quz  | اقوز         | متروک    |
| قزی | quz  | بره          | کاربردار |
| قیز | qız  | دختر         | کاربردار |
| زقی | zıqı | زیر          | متروک    |
| زیق | zıq  | زیر          | متروک    |

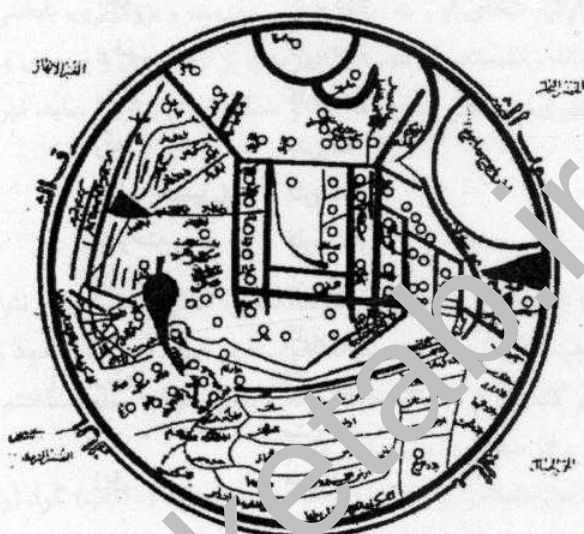
گویند: «گام، دلیل راه است».<sup>۲</sup> تکواژهای چهار واجی و بدست‌تر نیز بر همین روش قیاس می‌شود.

من به جهت رعایت اختصار و کاهش حجم کتاب، این مجموعه برگزیدم. تصنیفی کردم که پیش از من، کسی بدان نپرداخته است و تألیفی ساختم که پیش از من کسی آن را نیندیشیده است. و از آنجا که اثر تألیفی خود را به دلایل مذکور، روشی مناسب دهم و موضوع تعریف نایستگی راهبردی و پیروی کردن باید، برخی قواعد و طرح‌های جدید و نو در افکندم. تا برای آنان که بیستانی آ، و دارند، روش درست را بنماید و راهی گشاده باشد و برای آنان که برتری می‌جویند، نردبان صعود باشد ریشه‌ها و بنواژه‌ها که از ذات هر تکواژ زاید، از گویش هر تیره‌ای از ترکان برگرفتم. زیرا که از اختصار در تفصیل، حکمت‌ها پدید آید.

در کتاب، برای باز نمودن دیدگاه‌ها، دانش و جهان بینی ترکان، مثال‌ها از اشعارشان آوردم. مثل‌ها و سخنان حکمت‌آمیزشان را نیز که در فراخی و آسایش و شادمانگی، با اندیشه‌هایی والا بر زبان رانده‌اند، فراهم ساختم. اینها را نخستین گویندگان، به بازپسینان و آنان نیز به دیگران رسانیده‌اند. همراه با آن در کتاب، کلمات بسیار مهمی گرد آوردم. بدینگونه کتاب، در پاکیزگی و شفافیت به نهایت رسید و در زیبایی و لطافت به غایت برتری بررفت.

<sup>۲</sup>-الخطوة تدل على المسير.

در این کار که دل بر آن داده‌ام، از خداوند مدد می‌جویم. هر گونه نیرو و توانایی ما از او است و او، ما را  
 بسنده است و نیکوترین یاور ماست.<sup>۲</sup>



<sup>۲</sup>- این مقدمه که به فارسی ترجمه شده از کتاب دیوان اللغات الترك ترجمه و تدوین دکتر محمد حسین صدیق می باشد.